

| مریم بیژنی | دبیر دبیرستان‌های کرج

رנסانس ایرانی

در سده‌های سوم و چهارم ه. ق.

بررسی عوامل شکوفایی
فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی در دوره سامانیان

اشاره

بالندگی و رشد فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی در دوره سامانیان و در حوزه بخارا حکایت از تداوم اندیشه و فکر ایرانی از دوره باستان دارد که در دوران اسلامی با ویژگی‌های مثبت تمدن اسلامی در آمیختن و به مرحله شکوفایی رسید. آنچه دوره سامانیان را از دیگر دوره‌های بعد از خود، به ویژه در قرن‌های پنجم و ششم ه. ق، متمایز می‌کند گسترش علم و اندیشه و تسامح فکری در همه ابعاد در این دوره است. در این جستار ریشه‌های شکوفایی فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی در دوره سامانیان را بررسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: سامانیان، بخارا، ابو عبدالله جیهانی، ابوعلی محمد بلعمی، ابوالحسین عبدالله بن احمد عتبی





بوعلی سینا



**ابن سینا دانشمند
برجسته ایرانی،
بخشی از تحقیقات
علمی خود را در بار
امیرنوح دوم انجام
داد. سرانجام به
دلیل اغتشاشات
حوزه حکومتی
سامانیان از بخارا
به دربار قابوس بن
و شهبگیر حاکم
آل زیار و سپس
فرمانروایان آل بویه
رفت و فعالیت‌های
علمی خود را خارج
از قلمرو سامانیان
پیگیری کرد**



زمینه‌های شکوفایی

حکومت سلسله سامانیان در مقایسه با دیگر حکومت‌هایی که در دوره میانه ایران روی کار آمدند یک حکومت شاخص به لحاظ علمی و فرهنگی محسوب می‌شود. در این دوره پیشرفت‌های ویژه‌ای در زمینه‌های ادبی و علمی به وجود آمد که نه تنها بر ایران، بلکه بر کل جهان اسلام تأثیرات عمیق و دیرپایی به جا گذاشت. از جمله، در زمینه علم کیمیا (شیمی) از محمدبن زکریای رازی می‌توان یاد کرد که در زمینه پزشکی از چهره‌های نامدار آن عصر است. یا در زمینه تحقیقات داروشناسی، کهن‌ترین کتاب خطی فارسی موجود با عنوان «الابنیه عن حقایق الادویه» توسط ابومنصور موفق بن علی هروی نوشته شد. همچنین در شاخه پزشکی، ابن سینا مشهورترین پزشک مسلمان در اروپا، بخشی از تحقیقات علمی خود را در دربار سامانیان انجام داد. در زمینه فلسفه و فعالیت‌های عقلی و فکری نیز حکومت سامانیان یک دوره شاخص پس از ورود اسلام به ایران به شمار می‌رود. در همین دوره زمانی بود که مرکز فعالیت‌های فلسفی از بغداد به خراسان انتقال یافت و متفکران بزرگی مانند ابوالعباس ایرانشهری، ابوزید بلخی، ابونصر فارابی و

ابن سینا به وجود آمدند (ناجی، ۱۳۸۶: ۶۴۷-۶۳۶).

در قرون اولیه ورود اسلام به ایران، توجه به ادبیات فارسی و احیای زبان فارسی کاری شایسته بود که در دوره سامانیان به آن بیش از پیش توجه شد. ظهور شاعرانی مانند رودکی، دقیقی طوسی، کسایی مروزی و... و یا سرودن شاهنامه‌هایی برای حفظ زبان و تاریخ و فرهنگ ایران در مقابل نفوذ فرهنگ بیگانه، از جمله شاهنامه ابومنصوری و یا سرودن بخش‌هایی از شاهنامه فردوسی که در دوره غزنویان تکمیل شد نمونه‌هایی از این دست می‌باشد (کسایی، ۱۳۷۸: ۵۰۱ و زرین کوب، ۱۳۹۰: ۴۰۲).

با توجه به این عوامل است که ریچارد فرای این دوره را «عصر طلایی فرهنگ و تمدن ایرانی» و دیگران آن را «رنسانس فرهنگ و تمدن ایرانی» نامیده‌اند.

برای آشنایی با ریشه‌های تحولات سیاسی و اجتماعی یک جامعه معمولاً بررسی ساختارهای سیاسی و اجتماعی حکومت‌های حاکم بر آن جامعه حائز اهمیت است. علاوه بر این موقعیت جغرافیایی و پیشینه سیاسی - فرهنگی هر سرزمین در تحولات سیاسی - اجتماعی آن دارای اهمیت است. بر همین اساس، در ادامه دلایل رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن ایران در دوره سامانیان را بررسی می‌کنیم.

حوزه بخارا، امتداد فرهنگ ایرانی

بخارای قدیم منطقه‌ای بود در ماوراءالنهر؛ سرزمینی که دیرتر از نواحی مرکزی ایران به دست اعراب مسلمان فتح شد. هنگامی که مردمان این منطقه دین اسلام را پذیرفتند جانی تازه به فرهنگ و تمدن اسلامی بخشیدند. اصولاً در این منطقه روح تساهل و تسامح و خردورزی فرهنگ ایرانی جاری بود. از چنین سرزمینی بود که امیرانی ایرانی‌نژاد با ویژگی‌های نیک و عالی حکمرایی برخاستند، حکومت را در ماوراءالنهر به دست گرفتند و رنسانسی قابل توجه در فرهنگ و تمدن ایران و اسلام ایجاد کردند، چنان که این ناحیه، پایگاه دانشمندان و فرهیختگان بزرگی

در دوره حکمروایی

امیران سامانی

فرهنگ و

تمدن اسلامی به

شکوفایی رسید

که از جمله دلایل

آن می‌تواند ریشه

ایرانی این امیران

بوده باشد



البته سامانیان برای خلفا هم حکومتی خوب محسوب می‌شد، زیرا در مقایسه با صفاریان در شرق ایران، به‌ویژه در دوره یعقوب لیث، که ارتباط خوبی با خلیفه نداشتند و نیز با فاطمیان مصر که حکومتی شیعه‌مذهب محسوب می‌گشتند و رقیب خلیفه بودند، و همچنین تسلط امیرالامراهای ترک در دربار خلیفه، (کسای، ۱۳۷۸: ۴۹۶) اطاعت امرای سامانی برای خلیفه عباسی نعمت بزرگی بود. آن‌ها از ناحیه شرق ایران خلیفه را تهدید نمی‌کردند و خیال خلفا از این ناحیه راحت بود. همین امر موجب شد که خلفای عباسی حکومت سامانیان را به رسمیت بشناسند و در مقابل امیران سامانی هم از این فرصت برای اداره بهتر امور استفاده کنند.

علاوه بر این، هم‌زمان با به قدرت رسیدن سامانیان، معتضد خلیفه عباسی دستور داد عواید هر منطقه از مملکت پهناور اسلامی صرف امور کشوری و لشکری همان منطقه بشود (هروی، ۱۳۸۰: ۱۶۲) که این فرمان زمینه مناسبی برای امیراسماعیل سامانی فراهم آورد تا بتواند با استقلال بیشتری امور حکومت را اداره کند و دست امرای خود را نیز در دخل و خرج کشور آزادتر بگذارد.

در کتاب‌ها و منابع دوران اسلامی، مانند «احسن التّقاسیم»، به خوش‌رفتاری و فرهنگ‌پروری امیران سامانی اشاره شده و از احترام آنان به دانشمندان و عالمان دینی ذکر به میان آمده است. یکی از کارهای نیکویی که آنان برای رعایت احترام دانشمندان انجام دادند منع زمین‌بوسی و تعظیم دانشمندان در مقابل امیر بود (مقدسی، ۱۳۸۵: ۴۹۵-۴۹۶). آن‌ها دربار را به محل اندیشه و خردورزی تبدیل کرده بودند و خودشان نیز در مجالس مناظره و صحبت‌های عالمان شرکت می‌کردند. مقدسی می‌گوید: «در شب‌های آدینه در ماه رمضان مجلس مناظره می‌سازند. شاه این جلسه‌ها را با پرسشی می‌گشاید، سپس دیگران به سخن می‌آیند» (همان: ۴۹۵).

در پیش گرفتن رویه اعتدال سیاسی به جای تندروی، توسط امیران سامانی، موجب رشد اعتدال فکری و تساهل و تسامح فکری در این

شد که توانستند حیاتی دوباره در کالبد علم و تمدن در جهان اسلام بدمند. به‌ویژه، در دوره سامانیان اندیشمندان و دانشمندان بسیاری به بخارا آمدند که در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی مؤثر واقع شدند (... چنان‌که این شهر لقب قبه اسلام در بلاد شرق یافت، و با بغداد کوس برابری زد، چون بخارا یکی از مراکز تجمع ادبای میرز عصر بود». (فرای، ۱۳۶۵: ۷۱).

حکمروایی خوب و اندیشمندانه امیران سامانی

بدون شک در رشد و پیشرفت هر ملتی شیوه حکمرانی و ساختارهای سیاسی آن کشور نقش بسیاری دارد. امیران سامانی، به جز مواردی معدود، عمدتاً افرادی نیک‌سیرت بودند و دربار آن‌ها محل تجمع دانشمندان و ادبا و عالمان دینی بود. در دوره حکمروایی امیران سامانی فرهنگ و تمدن اسلامی به شکوفایی رسید که از جمله دلایل آن می‌تواند ریشه ایرانی این امیران بوده باشد و اینکه آنان از میان اقوام صحراگرد و غیرایرانی به قدرت نرسیده بودند. آنان در فضای فرهنگ و تمدن ایرانی بزرگ شده بودند و با ویژگی‌های اصیل خردورزی و پویایی تمدن ایرانی آشنا بودند.

همچنین امیران سامانی به‌ویژه در دوران اقتدار خود، برخلاف حکومت‌هایی مانند صفاریان که به خاطر روابط خصومت‌آمیز خود با خلیفه عباسی مدام با او درگیر بودند، با اظهار اطاعت نسبت به خلیفه مشکل ویژه‌ای در رابطه با بغداد نداشتند. بنابراین توانستند به راحتی و براساس اندیشه و تفکر خود به اداره امور بپردازند. منابع تاریخی این دوره، به ویژگی «درایت امیران سامانی» و ارتباط درست آنان با خلیفه در پیشبرد کارها اذعان دارند: «اسماعیل بن احمد سامانی، اول سلاطین سامانیان است و به حقیقت پادشاه سزاوار به استحقاق بوده؛ مردی عاقل، شفیق، صاحب رأی و تدبیر؛ و پیوسته با خلفا اظهار اطاعت کردی و متابعت ایشان واجب و لازم دانستی» (نرشخی: ۱۳۸۲: ۱۰۶).



**از ویژگی‌های
حکمروایی
خوب، اهمیت دادن
سیاستمداران به
ترویج دانش و
احترام به عالمان
است، و این امر
به‌ویژه در دوره‌اول
سامانیان بسیار
مشهود بود**



دوره شد و خود موجب تقویت روحیه آزاداندیشی و خردورزی در درون این حکومت گردید، «از زیبایی‌های دوران نخستین عصر سامانیان می‌بایستی به همزیستی مسالمت‌آمیز تمام اندیشه‌ها و مذاهب در زیر یک سقف و در محدوده یک دولت، آن هم با ملایمت و مدارا با همه آنان، از سوی امرای خردمند سامانی اشاره کرد» (هروی، ۱۳۸۰: ۱۶۴).

از ویژگی‌های حکمروایی خوب، اهمیت دادن سیاستمداران به ترویج دانش و احترام به عالمان است، و این امر به‌ویژه در دوره اول سامانیان بسیار مشهود بود. مورخان مختلف به وجود این خصیصه در امیران سامانی اعتراف کرده‌اند. از جمله ابن‌اثیر، به ویژگی‌های امیراسماعیل سامانی یعنی نیکوکار بودن و حمایت از دانشمندان و عالمان دینی معترف است. او نتیجه می‌گیرد که در اثر همین ویژگی‌ها بود که حکومت آن‌ها ادامه یافت (ابن‌اثیر، ۱۳۸۲، ج ۱۱: ۴۳۴۱).

هنگامی که سران حکومت‌ها درگیر عنوان‌های پرطمطراق و باشکوه می‌شوند از اصل حکمروایی که اداره امور است غافل می‌گردند و کم‌کم حکومت رو به ضعف می‌رود. امیران سامانی برخلاف این رویه، چنین عنوان‌های برای خود اختیار نکردند و فقط به لقب امیر اکتفا کردند. حاکمان این حکومت، بر حسب ویژگی‌های خود علاوه بر عنوان امیر دارای عناوینی چون ملک مؤید، موقق، منصور و... بودند و یا بعد از مرگ با توجه به خصلت‌های هر کدام لقب‌های ویژه‌ای یافتند، حمید، شهید، سدید، رضی و... (بیرونی، ۱۳۸۹: ۲۰۶). همین سادگی عنوان‌های حکومتی یکی از دلایل توجه آن‌ها به مسائل سیاسی و علم و دانش در منطقه ماوراءالنهر شد.

از سیاست‌های قابل توجه امیران سامانی ارج گذاردن به فرهنگ ایرانی و خاندان‌های ایران قدیم در منطقه بخارا بود. همین عامل یعنی سنخیت فرمانروا با فرهنگ حاکم بر جامعه موجب تحول و بالندگی حکومت آن‌ها شد: «امرای سامانی رسوم و آداب قدیم ایرانی را که در خراسان و ماوراءالنهر دست‌نخورده باقی مانده

بود نگهداری کردند و طبقات قدیم اجتماعی ایران، مانند «دهقانان» و «آزادان» و اهل بیوتات را همواره مورد اکرام خود قرار دادند و این امر مایه تثبیت و استمرار بسیاری از رسوم قدیم گردید...» (حجت، ۱۳۸۴: ۲۳۷).

تساهل و تسامح فکری - مذهبی

بررسی تاریخ نشان می‌دهد هنگامی اندیشمندان و دانشمندان در سرزمینی رو به افزایش گذاشته‌اند که حاکمان نسبت به افکار و اعتقادات آن‌ها احترام قائل بوده‌اند و اجازه فعالیت‌های فکری و علمی را به فرهیختگان جامعه داده‌اند. این ویژگی در دوران حکومت سامانیان به جز بعضی موارد که تعصبات مذهبی به وجود آمد بارز بود و همین عامل یکی از دلایل پیشرفت فرهنگ و تمدن ایرانی در این دوره در مقایسه با قرن‌های پنجم و ششم ه.ق است.

«سامانیان گرچه پیرو مذهب اهل سنت و فقه حنفی بودند اما با پیروان مذاهب دیگر با احترام و مدارا رفتار می‌کردند. نه فقط دانشمندان مذهب شافعی گرامی داشته می‌شدند، بلکه شیعیان نیز از آزادی عمل برخوردار بودند چنان‌که برخلاف دوره غزنویان و سلجوقیان از داشتن مناصب حکومتی در دستگاه سامانیان محروم نبودند، نه تنها شیعیان دوازده امامی در امنیت می‌زیستند، بلکه شیعیان اسماعیلی نیز... به شیوه خاص خویش به تبلیغ عقاید خود می‌پرداختند» (صدری‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۸۳).

بعد از نصر بن احمد روابط امیران سامانی با پیروان مذاهب دیگر اسلامی دارای فراز و نشیب‌هایی شد که گاه به مصلحت سخت‌گیری‌هایی انجام می‌دادند و گاه همان رویه مدارا را در پیش می‌گرفتند (هروی، ۱۳۸۰: ۴۵۱ - ۴۴۸). در مجموع، با وجود سخت‌گیری‌های مذهبی در دوره تعدادی از امیران سامانی، حاکمان این حکومت در مقایسه با حکومت‌های بعد از خود مانند غزنویان و سلجوقیان از روحیه تساهل و تسامح مذهبی بیشتری برخوردار بودند و دلیل رشد اندیشه‌های فکری و علمی در این دوره به همین امر برمی‌گردد.

وزیران دانشمند

امیران سامانی در اجرای اصول حکمروایی خوب، عموماً وزیرانی اندیشمند و فهیم را که آشنا به مسائل سیاسی و اداری بودند انتخاب می‌کردند (کسائی، ۱۳۷۸: ۴۹۴). این شیوه موجب شد کارهای حکومتی به گونه‌ای اندیشمندانه و خردگرایانه سامان یابد.

در چنین فضایی زمینه برای رشد وزیران و کاربه‌دستان اندیشمند فراهم می‌شد و میزان تملق‌گویی پایین می‌آمد که خود تأثیری مستقیم بر رشد و شکوفایی علمی یا رنسانس فکری در دوره‌ی سامانیان در شرق ایران داشت. امیران تا زمانی که این شیوه‌ی سیاسی در اداره‌ی حکومت مورد استفاده قرار می‌گرفت حکومت سامانیان راه رشد و تکامل را طی می‌کرد، اما در دوران ضعف این حکومت، هنگامی که امیران سامانی این شیوه را کنار نهادند حکومت آن‌ها به مرحله‌ی تباهی رسید (ناجی، ۱۳۸۶: ۳۱).

وزیران سامانی هم، چون افراد نیک‌اندیشی بودند، شیوه‌ی اداره‌ی امور را نه صرفاً براساس نظر خود بلکه براساس تجارب ملل دیگر هم بنا می‌نهادند. برای مثال، هنگامی که **ابوعبدالله جیهانی** به وزارت سامانیان رسید، سعی کرد مبنای اداره‌ی امور را استفاده از دستاوردهای سیاسی و اداری دولت‌های دیگر قرار دهد. به گفته‌ی گردیزی: «چون او [ابوعبدالله جیهانی] به وزارت نشست، به همه‌ی ممالک جهان نامه نوشت و رسم‌های همه‌ی درگاه‌ها و دیوان‌ها بخواست تا نسخت کردند و به نزدیک او آوردند، چون ولایت روم، ترکستان، هندوستان، چین، عراق، شام، مصر، زرنج، زابل، کابل، سند و عرب. همه‌ی رسم‌های جهان به نزدیک او آوردند و آن همه نسخت‌ها پیش بنهادند. او اندر آن نیک تأمل کرد و هر رسمی که نیکوتر و پسندیده‌تر بود از آنجا برداشته و آنچه ناستوده بود بگذاشت و آن رسم‌ها نیکو را بگرفت و فرمود تا همه‌ی اهل درگاه و دیوان حضرت بخارا آن رسم‌ها را استعمال کردند و به رأی و تدبیر جیهانی همه کار مملکت نظام گرفت (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۳۰).

وزارت ابوعبدالله جیهانی به جهت تأثیرگذاری

بر تأسیس نظام دیوانی در ایران دوره‌ی اسلامی اهمیتی بسیار دارد: «جیهانی، نخستین وزیر ایران در تاریخ دولت‌های ایران بعد از اسلام است. نظام وزارت و تشکیلات دیوانی عملاً از روزگار او آغاز می‌شود و پیش از آن امیران و حاکمان، از وجود مشاوران و معتمدان سود می‌جستند» (هروی، ۱۳۸۰: ۲۴۷).

در ساختار سیاسی و پیشرفت علمی دوره‌ی سامانیان نقش افراد عالم کاملاً قابل تشخیص است: «در ساخت سامانیان سه طبقه‌ی اندیشمند به وضوح قابل تشخیص است. این سه طبقه عبارت بودند از: ادبا یا فرهنگیان، علمای دینی و دبیران یا کُتّاب» (ناجی، ۱۳۸۶: ۱۵۹).

نفوذ علما و روحانیان در درگاه سامانیان چنان بود که دولت به لحاظ اجرای امور تحت تأثیر رأی و نظر آن‌ها قرار داشت (ناجی، ۱۳۸۶: ۱۶۳). همین اداره‌ی اندیشمندانه و خردگرایانه‌ی امور توسط وزیران و امیران سامانی جایگاه ویژه‌ای به این حکومت در تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی در مقایسه با دیگر حکومت‌هایی که بر ایران مسلط شدند بخشیده است.

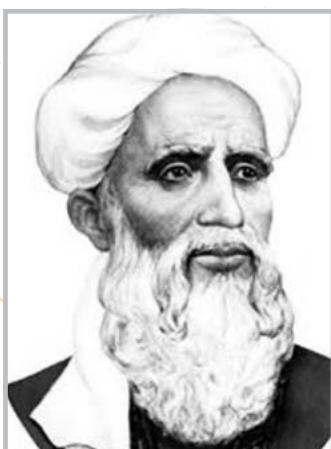
علم و فرهنگ در دوران ضعف سیاسی حکومت سامانیان

ضعف تدریجی حکومت سامانیان از زمان امارت **نوح بن نصر** (۳۴۳ - ۳۳۱ ه.ق) آغاز شد. با وجود این، ساختارهای فرهنگی و تمدنی این حکومت به حدی قوی بود که در دوران ضعف هم فعالیت‌های علمی و ادبی تا زمان امارت امیرنوح دوم (۳۸۷ - ۳۶۶ ه.ق) با فراز و نشیب‌هایی دوام آورد. دلایل توجه به فعالیت‌های علمی و ادبی در دوران ضعف تدریجی حکومت سامانیان عبارت‌اند از:

۱. قوی بودن ساختارهای علمی و فرهنگی حکومت سامانیان

ساختار خردگرایی حکومت سامانیان از زمان امارت اسماعیل بن احمد شکل گرفت و تا پایان امارت نصر بن احمد (۳۳۱ - ۲۷۹ ه.ق) و سپس در دوره

یکی از کارهای نیکویی که امیران سامانی برای رعایت احترام دانشمندان انجام دادند منع زمین‌بوسی و تعظیم دانشمندان در مقابل امیر بود



ابوعلی محمد بلعنی، وزیر امیر منصور بن نوح سامانی



۲. حضور وزرای اندیشمند در دربار سامانیان

در دوران ضعف تدریجی حکومت سامانیان یعنی از زمان امارت نوح بن نصر (۳۴۳ - ۳۳۱ ه.ق) تا حکومت امیرنوح دوم (۳۸۷ - ۳۶۶ ه.ق)، چند وزیر که حامی علم و ادب بودند روی کار آمدند. این وزرا البته در مقایسه با وزرای دوران قدرت سیاسی سامانیان، سیاستمدارانی ضعیف بودند. از آنجا که امیران این دوره قدرت زیادی در مقابل دسیسه‌های درباری، سپهسالاران نظامی و سرداران ترک نداشتند به همین دلیل حامیان سیاسی قدرتمندی هم برای وزرای خود نبودند. بنابراین وزرای این دوره هم نتوانستند در مقابل رقابت قدرت درباریان ابرقدرتی چون **فایق** یا سپهسالاران نظامی مانند **ابوالحسن سیمجوری** حاکم خراسان و فرماندهان ترک درگاه سامانی دوام بیاورند و در نهایت برکنار می‌شدند یا به قتل می‌رسیدند.

با وجود این، حضور همین وزیران ضعیف و در عین حال فرهنگ‌دوست به تداوم فعالیت‌های علمی و ادبی در دوره دوم حکومت سامانیان کمک کرد. نمونه بارز این وزرا **ابوعلی محمد بلعمی** وزیر امیرمنصور بن نوح سامانی (۳۶۶ - ۳۵۰ ه.ق) است. در این مقطع زمانی، با وجود ضعف سیاسی حکومت، فعالیت‌های علمی و ادبی رونق داشت و کتابخانه بخارا محل رجوع ادیبان و دانشمندان عصر بود. در همین دوره

دوم این حکومت - از زمان امارت نوح بن نصر تا امارت نوح دوم در فاصله زمانی ۳۸۷ - ۳۳۱ ه.ق - که دوران ضعف تدریجی سیاسی محسوب می‌گردد با فراز و نشیب‌هایی ادامه پیدا کرد. امیران دوره دوم حکومت سامانی در دیوان و درگاهی روی کار آمده بودند که توجه به علم و دانش در آن نهادینه شده بود و دارای مراکزی علمی همچون کتابخانه بخارا بود. با توجه به این عوامل، در چنین فضای سیاسی، ضعف علمی و سیاسی هم‌زمان با هم شکل نمی‌گیرد. با وجود اینکه در دوره دوم حکومت سامانیان، ترکان و سرداران نظامی قدرتمند بر امور درباری مسلط شده بودند و در جابه‌جایی قدرت امیران سامانی نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کردند اما به دلیل حضور علما و دانشمندان در دربار این حکومت، فعالیت‌های علمی و ادبی ادامه پیدا کرد و امیران دوره دوم نیز مورد حمایت علما و دانشمندان این دوره قرار می‌گرفتند و از جایگاه مردمی نسبتاً خوبی برخوردار بودند. به نظر ریچارد فرای، عالمان فقط در مقطع آخر حکومت سامانیان، هنگامی که این حکومت کارایی‌های سیاسی و نظامی خود را در مقابل رقابت قدرت ترکان و سلطه آن‌ها بر دربار از دست داده بودند دست از حمایت این حکومت برداشتند (فرای، ۱۳۷۹: ج ۴: ۱۲۹). علی‌رغم این وضع و با وجود مشکلات سیاسی، نگارش کتاب‌های ادبی و علمی در این دوره ادامه پیدا کرد.

سکه طلایی دوره سامانیان



بود که ابوعلی بلعمی، تاریخ طبری را از عربی به فارسی ترجمه کرد و در همین ایام، توجه به ترجمه آثار دینی و تاریخی از سوی امیر منصور بن نوح و ابوعلی محمد بلعمی انجام می‌گرفت (فرای، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۳۴).

توجه به نگارش آثار دینی، تاریخی و علمی به فارسی، موجب گسترش و احیای زبان فارسی بعد از رسمی شدن زبان عربی در نوشتارهای ایرانیان در دوران اسلامی شد. در واقع این اقدام موجب شد زبان فارسی از خطر تبدیل شدن به یک گویش خارج شده و جنبه کاربردی و علمی پیدا کند.

دوران وزارت **ابوالحسن عبداللّه بن احمد عتبی** در دربار امیرنوح بن منصور یا نوح دوم (۳۸۷ تا ۳۶۶ ه.ق)، از نمونه‌های دیگر وزرای دوران ضعف است. این وزیر از خاندان عتبی وزیر سابق سامانیان در دوران قدرت سیاسی این حکومت بود. وی هر چند به لحاظ سیاسی تجربه و کارایی لازم را برای رقابت با سپهسالاران نظامی درگاه سامانیان نداشت ولی حامی دانشمندان و عالمان درباری بود، چنان که «**ابوعبداللّه محمد بن احمد خوارزمی** در همین دوره، کهن‌ترین کتاب دائرةالمعارف گونه «مفاتیح‌العلوم» را در تاریخ علوم و تشکیلات اسلامی به نام عتبی وزیر ادب‌پرور نوح بن نصر نوشت» (کسای، ۱۳۷۸: ۵۰۰ و ۵۰۱). متأسفانه این «وزیر جوان سامانیان در رقابت قدرت با ابوالحسن سیمجوری سپهسالار باتجربه و فرمانروای سامانیان در خراسان دوام نیاورد و به قتل رسید» (عتبی، ۱۳۸۲: ۵۸ و ۵۹).

در همین دوران ضعف سیاسی بود که **ابن سینا** دانشمند برجسته ایرانی، بخشی از تحقیقات علمی خود را دربار امیرنوح دوم (۳۸۷-۳۶۶ ه.ق) انجام داد. البته ابن سینا هم سرانجام به دلیل اغتشاشات حوزه حکومتی سامانیان از بخارا به دربار قابوس بن وشمگیر حاکم آل زیار و سپس فرمانروایان آل بویه رفت و فعالیت‌های علمی خود را خارج از قلمرو سامانیان پیگیری کرد (ناجی، ۱۳۸۶: ۶۸۴-۶۴۷).

در نهایت، در شرایط تسلط قطعی ترکان بر دربار

سامانیان در اواخر این حکومت، عالمان دیگر نتوانستند از این حکومت حمایتی به عمل آورند و علم‌آموزی و گسترش دانش در میانه رقابت‌های نظامی و سیاسی برای مدتی اهمیت خود را از دست داد.

۱. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد؛ **تاریخ کامل**، ترجمه حمیدرضا آذیر، تهران: اساطیر، جلد یازدهم، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد؛ **آثار الباقیه عن القرون الخالیه**، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
۳. حجت، رضا؛ **بخارا کجاست؟**، تهران: امین دژ، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۴. زرین کوب، عبدالحسین؛ **روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی**، تهران: سخن، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۰.
۵. صدری‌نیا، باقر؛ (مقاله راز و رمز شکوفایی دانش و اندیشه در عصر سامانی)، **نامه آل سامان**، به کوشش: علی اصغر شعردوست و قهرمان سلیمانی، تهران: مجمع علمی تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۶. عتبی، محمد بن عبدالجبار؛ **ترجمه تاریخ یمینی**، ترجمه ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، مصحح جعفر شعار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
۷. فرای، ریچارد؛ **بخارا دستاورد قرون وسطی**، ترجمه محمود محمودی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
۸. _____؛ **تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن سلجوقیان**، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، جلد چهارم، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
۹. کسای، نورالله؛ (مقاله سامانیان در بزرگداشت دانشمندان)، **نامه آل سامان**، به کوشش: علی اصغر شعردوست و قهرمان سلیمانی، تهران: مجمع علمی تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۰. گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود؛ **تاریخ گردیزی**، تصحیح و مقابله عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۱۱. مقدسی، ابوعبداللّه محمد بن احمد؛ **احسن التقاسیم فی معرفتی الاقالیم**، ترجمه علینقی منزوی، تهران: کوش، ۱۳۸۵.
۱۲. ناجی، محمد رضا؛ **فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان**، تهران: امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۳. نزشخی، محمد بن جعفر؛ **تاریخ بخارا**، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران: قومس، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۱۴. هروی، جواد؛ **تاریخ سامانیان** (عصر طلایی ایران بعد از اسلام)، تهران: امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۰.

